

راست اندیشی دینی

یکم

همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عالمان دین و عموم دین‌داران دست یافتن به مرزهای راست‌اندیشی دینی و برحذرماندن از ناراست‌اندیشی دینی بوده است. اساسی بودن مفهوم نجات و رستگاری در همه ادیان و وابستگی آن به درست‌باوری (و درست‌کرداری) به این دغدغه دامن زده است. در مسیحیت و فرهنگ غرب واژه orthodoxy عهده دار رساندن همین معناست. این واژه، برای اولین بار، در قرن چهارم میلادی - دوران پاتریاکی تاریخ مسیحیت - توسط آباء یونانی کلیسا به کار رفت تا نشان‌دهنده تقدّم باور بر عمل باشد. همین اصالت باور یکی از دلایل نامیده شدن مسیحیان ارتدکس بدین نام است. در مقابل اصطلاح orthodoxy بدین معنا، اصطلاح orthopraxy قرار دارد.

دیگر معنای ارتدکسی، که بیشترین کار بست این اصطلاح در آن معناست، بهکشی و بهدینی است. این کاربرد خاص بیشتر نشان‌دهنده نامقبول و ناراست بودن اندیشه‌ها و باورهای دیگران است و بر این پیش فرض متکی است که هر کس مانند ما می‌اندیشد راست‌اندیش است و هر کس مانند ما نمی‌اندیشد ناراست‌اندیش است. در مقابل اصطلاح orthodoxy به معنای اخیر، اصطلاح heterodoxy قرار دارد. برابر نهاده دقیق هترودکسی دیگراندیشی و دیگرباوری است، اما بیشتر، معنای ناراست‌اندیشی و ناراست‌باوری و به تعبیر متون دینی پهلوی، جُذکشی از آن اراده می‌شود.

در یهودیت عیناً از واژه ارتدکس و ارتدکسی استفاده می‌کنند، اما در برابر هترودکس واژه min را برمی‌نهند. یهودیانِ محافظه‌کار و سنت‌گرا، که با اصلاحات رفرمیست‌های یهودی موافقتی ندارند، به عنوان یهودیان ارتدکس شناخته می‌شوند.

در هندوئیسم اصطلاحات astika و nastika معادل ارتدکسی و هترودکسی قلمداد می‌شوند. از منظر سنت هندو جین‌ها، بودایی‌ها و مادی‌گراها ناستیک هستند. مبنای درست‌باوری در آیین هندو تأیید و پذیرش وجود است.

دوم

اما در اسلام برابر نهادۀ راست اندیش اصطلاح مستقیم و حنیف است. در فرهنگ اسلامی نزدیک‌ترین واژه‌ها به هترودکسی انحراف و بدعت است. انحراف یعنی به سمت و سویی جز راه مستقیم رفتن، و بدعت در لغت یعنی نوآوردن، و در اصطلاح متون و منابع اسلامی یعنی «وارد کردن عقیده یا رفتار نو و بی سابقه در دین». بی سابقه بودن یعنی دین، به صورت خاص یا عام، در مورد آن عقیده یا رفتار سخنی نگفته باشد. تأکیدی که در اسلام بر پیمودن راه مستقیم، تبعیت از کتاب و سنت و لزوم دفع و رفع هر نوع بدعت دینی شده است، مقوله بهکشی را برای مسلمانان پراهمیت ساخته است. جایگاه و منزلتی که مفهوم تجدید و مجدد در ذهنیت مسلمانان داراست، گویای اهتمام اسلام به حفظ مرزهای باور و رفتار دینی است. بر اساس آموزۀ تجدید، در هر دوره زمانی شخصیتی فرهمند ظهور کرده، به تعالیم اصلی و ناب دین فرا می‌خواند. نظریه‌های اسلام ناب محمدی، اسلام بلامذاهب (اسلام فارغ از مذاهب خاص) و سلف‌گرایی (السلفیة) هر کدام به نوعی دعوت و فراخوانی است به راست اندیشی اسلامی.

هر کدام از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی خواسته‌اند و کوشیده‌اند خود را درست باور (فرقه ناجیه) و جز خود را نادرست باور بشناسند و بشناسانند. جریان غالب اسلامی - اسلام سنی اشعری - عملاً و رسماً توانست بسیاری از فرق اسلامی دیگر اندیش را به عنوان ناراست اندیش حذف یا دامنه نفوذ آنها را به شدت محدود کند. اما مذهب تشیع، به ویژه تشیع امامی، به دلیل برخورداری از پیشینه‌ای عظیم و میراثی گران‌بها، در

گستره‌ای پر دامنه تداوم یافت و مانع آن شد که اسلام سنی اشعری عنوان اسلام ارتدکس را در انحصار خود قرار دهد.

راست اندیشی و ناراست اندیشی در قلمرو تشیع نیز همواره بحث‌انگیز بوده است. در این مذهب، به دلیل محوری و بنیادی بودن مسئله امامت و مقام منبع امام، نوع تلقی شیعیان از امام معصوم موضوع اصلی تشیع ارتدکس و هترودکس است. غلو، به معنای مبالغه کردن در شأن امام، و تقصیر، به معنای فروکاستن از مقام و منزلت امام، از مفاهیم کلیدی‌ای هستند که ناراست اندیشی را نشان می‌دهند.

سوم

گسست موجود میان باورهای اصیل دینی و باورهای مقبول مردم - یا همان *popular* - فرایند بسط و تعمیق راست‌اندیشی را با چالشی جدی روبه‌رو می‌کند. در چنین چالشی بی‌تردید آرامش و انسجام جامعه دینی آسیب خواهد دید، هم‌چنان‌که میدان‌داران راست‌اندیشی نیز با انواع فشارها و محدودیتها، چه از طرف دین‌داران و چه از طرف نهادهای دینی، روبه‌رو خواهند شد. نگرانی از این پیامدهای منفی، عالمان دینی را به مصلحت‌اندیشی، محافظه‌کاری و حتی عوام‌زدگی سوق می‌دهد.

نگرانی از برهم خوردن نظم موجود و نسبت‌های برقرار شده میان متدینان و دین (و نهادهای دینی) هر چند می‌تواند واقعی و شایسته تأمل باشد، نمی‌تواند مانع انجام رسالت اصلی عالمان دین، که همان مرزبانی از عقیده و رفتار دینی است، بشود؛ چه، هیچ مصلحتی بالاتر و والاتر از حقیقت آن هم حقیقت دینی، نیست و در هر حال، اگر در سطح عموم دین‌داران محدودیت‌هایی در کار باشد، اما دست کم در سطح عالمان و حوزه‌های علوم دینی نباید هیچ محدودیتی اعمال شود و دین پژوهان باید در فضایی کاملاً آزاد و علمی منابع معتبر دینی را بکاوند و جست‌وجوگر دین راست‌اندیشانه باشند. و این مسئولیتی است سنگین که همه دل‌مشغولان خلوص و پیراستگی دین را به هم‌تی والا و کوششی دیرپا فرا می‌خواند.

چهارم

به مرور زمان مفهوم ارتدکسی با نوعی جزم اندیشی، سخت‌گیری و انحصارگرایی همراه

شده است؛ از این رو کسانی که رواداری، آسان‌گیری و کثرت‌گرایی را از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر دنیای امروز می‌دانند از مفهوم راست‌اندیشی دینی گریز و ابا دارند. واقعیت آن است که تلاش‌ها و گرایش‌های راست‌اندیشانه از آفات پیش‌گفته مصون و به دور نبوده‌اند، و اساساً در جایی سخن از خلوص و بی‌پیرایگی به میان می‌آید که غیرت دینی در کار باشد. غیرت و تعصب دینی اگر به خوبی فهم و اعمال نشود می‌تواند به بسته‌اندیشی و رفتارهای افراطی بینجامد؛ اما وجود آفاتی از این قبیل نمی‌تواند و نباید ما را از وظیفه‌ی عرضه‌ی دین ناب و بی‌پیرایه باز دارد، هرچند جلوگیری از این آفت‌ها و تهدیدها نیز وظیفه‌ی دیگر ماست.

می‌توان در پی خلوص و پایایی دین بود و روزآمدی و پویایی آن را نیز خواست؛ می‌توان دلبسته و جانب‌دار دین خود بود و در همان حال دیگر ادیان و اندیشه‌ها را حرمت نهاد؛ می‌توان دین را ناب و آن‌چنان‌که هست خواست ولی مردم را در طرز دین‌داری آزاد گذاشت.

فصلنامه‌ی هفت آسمان، در کنار تلاش خود برای شناساندن و در کنار هم نشان دادن ادیان و مذاهب گوناگون، در پی آن است که گامی درخور در راه بازخوانی و بازشناسی باورهای اسلامی و شیعی بردارد تا راه تقرّب و تشرف به اسلام ناب و تشیع راست‌اندیشانه را هموار نماید و در این راه از آثار دین پژوهان ارجمند استقبال می‌کند.

سردبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی